

# طراحی های

دیوان سلطان احمد جلایر

## شاهکار

## هنر نگارگری

## ایران



● طرح‌های این دیوان  
 به تجسم صحنه‌هایی  
 از هفت وادی عشق عطار  
 از منطق الطیر اختصاص دارد.  
 هنرمند،  
 در هر کدام از طراحی‌ها  
 یکی از هفت وادی عشق  
 (طلب، عشق، معرفت، استغناء،  
 توحید، حیرت، فقر و فنا)  
 را مضمون کرده است.

مباحثه حکیمان و همینطور صحنه شکفت آور پرواز  
 فرشتگان در میان انبوه انوار آسمانی اختصاص  
 دارد.

بعد از مرگ ابوسعید خان، قلمرو ایلخانان مغول  
 بین امرای-منتقد تقسیم گردید و سلسله‌هایی مثل  
 «آل جلایر»، «آل مغلر» و «اینجوها» تشکیل گردید.  
 با به حکومت رسیدن این حکومت‌های کوچک محلی  
 در قرن هشتم، ثبات سیاسی ایران به آشفتگی  
 گراشید. در مدت زمانی کوتاه بعد از شکل‌گیری این  
 حکومت‌های محلی، مراکز هنری بسیار مهمی توسط  
 آنها برپا شد. گرچه هر کدام از این حکومت‌ها به  
 واسطه توسعه طلبی همسایگان به تصرف دیگری  
 در می‌آمدند و شهرهایی مثل تبریز، بغداد و شیراز  
 مرتباً در تصرف سلسله‌های مختلف دست به  
 دست می‌گشتند ولی با وجود چنین وضعیتی قرن  
 هشتم هجری یکی از درخشان‌ترین دوره‌ها در هنر  
 ایران به شمار می‌رود. هر کدام از این دولتهای  
 محلی دارای مراکز هنری با مجموعه‌ای از استادان  
 خوشنویس و نقاش بودند. با نقل و انتقالات  
 سیاسی و حکومتی، مراکز هنری نیز از محلی به  
 محل جدید تغییر پیدا می‌کرد. به همین علت  
 شناسایی دقیق منشأ آثار هنری این دوره کار  
 مشکلی است. هر چند وجود تعدادی امضاء و تاریخ  
 ما را در شناسایی سنتهای خاص هر مکتب یاری  
 می‌کند.

جلایرها (۸۲۶ - ۷۴۰ ه. ق) قسمتهای جنوبی ایران  
 و عراق را در کنترل خود قرار داده و پایتخت خود

تعدادی نسخه خطی از دوران قبل از  
 حمله مغول به ایران در دست است که  
 در این نسخ از طرحهای خطی برای مصور کردن  
 آنها استفاده شده است. طراحی‌های این کتابها که  
 موضوع اکثر آنها به علوم طبیعی و یا نجوم  
 اختصاص دارد به عنوان قدیمی‌ترین طراحی‌های  
 ایرانی به شمار می‌روند. نسخه «صورالکواکب  
 الثابته» صوفی از قدیمیترین و زیباترین آنها به شمار  
 می‌رود. در این کتاب که در سال ۴۰۰ ه. ق کتابت  
 شده، اشکال فلکی به شیوه‌ای بسیار زیبا و استادانه  
 قلمگیری شده‌اند (۱). سری دیگری از قدیمیترین  
 مجموعه طراحی‌های نگاره‌گری ایرانی را می‌توان  
 به تزئینات حاشیه‌های کتابهای خطی قرون هشتم  
 ونهم هجری و همینطور تک ورق‌هایی که بعداً  
 به صورت آلبوم (مرقع) تنظیم شده‌اند اشاره  
 نمود. تزئینات حاشیه این کتابها عموماً با نقوش  
 تزئینی گیاهی و گاهاً نقوش حیوانی طراحی  
 شده‌اند. تنها نمونه مستثنی از این قاعده نسخه  
 منحصر به فرد «دیوان سلطان احمد جلایر»  
 می‌باشد. تعدادی از حواشی صفحات این دیوان  
 دربرگیرنده طراحی‌هایی بسیار لطیف و تغزلی،  
 که چشم‌اندازها، اشکال انسانها و حیوانات در  
 یک فضای مملو از حال و هوای عرفانی بسیار زیبا  
 و شاعرانه به تصویر کشیده شده‌اند. این دیوان  
 که در اواخر قرن هشتم هجری کتابت شده  
 است، طراحی‌های آن به تجسم چشم‌اندازهایی  
 از طبیعت، صحنه‌های چادر نشینی و روستائی،

را در بغداد و تبریز بنا نهادند. بغداد در دوره سلطان اویس جلایر (۷۷۶ - ۷۵۷ ه. ق.) و پسرش سلطان احمد جلایر (۸۱۳ - ۷۸۴ ه. ق.) بسیار شکوفا گردید. قلمرو هنری بغداد و تبریز در طول دوره حکومت سلطان احمد جلایر فوق العاده خلاق، نوآور و مبتکر گردید. او میراث دار گروهی از هنرمندان بسیار خلاق از جمله استاد شمس‌الدین شاکرد احمد موسی استاد مسلم نقاشی و عبدالحی نقاش بود. در این زمان هنرمندان به مصور کردن متون ادبی مثل اشعار نظامی و خواجهی کرمانی به گونه‌ای که قبلاً چنین نمونه‌هایی انجام نشده بود پرداختند. سلطان احمد خود مراتب علمی شعر و موسیقی را پشت سر گذاشته و در زبان عربی و فارسی مهارت کامل داشت. گفته می‌شود در کنده‌کاری و حکاکی روی مهرها و نقاشی کردن مهارت داشته و اصول نقاشی را زیر نظر استاد عبدالحی فرا گرفته بود (۲).

سلطان احمد جلایر در طول دوره حکومتش بارها مورد حمله دشمنان از جمله تیموریان و قره‌قویونلوهای ترکمن واقع گردید. سلطان احمد یکبار توانست خود را از صحنه جنگ نجات داده و به دربار عثمانی‌ها و یا مملوکها پناه ببرد. او نهایتاً در سال ۸۱۳ هجری در جنگ با قره یوسف قره‌قویونلو (۸۷۲ - ۸۱۰ ه. ق.) در آخرین کوشش برای نجات حکومت خود، کشته شد. پس از کشته شدنش سرزمینهای تحت فرمان او بین قره قویونلوه و تیموریان تقسیم شد.

علی‌رغم تشنجات سیاسی دوره حکومت سلطان احمد، او توانست به عنوان یکی از بزرگترین حامیان هنرمندان در طول تاریخ هنری ایران، تعداد قابل ملاحظه‌ای از کتب ادبی و از جمله دیوان خودش (دیوان مورد بحث) تحت حمایت او، تصویرگری و کتابت شود. در مرکز هنری او هنرمندان بزرگی همچون جنید و عبدالحی از شاگردان استاد شمس‌الدین و خوشنویس معروف میرعلی تبریزی، استاد و مبتکر خط نستعلیق، کردهم آمدند. تیمور در زمان فتح بغداد، هنرمندان دربار سلطان احمد را با احترام خاص به سمرقند انتقال داد. همچنین به دنبال کشته شدن سلطان احمد، تعدادی از هنرمندان به دربار سلطان اسکندر حاکم تیموری شیراز ملحق شدند. تعدادی از اساتید هم در بغداد و تبریز ماندگار و در خدمت امرا جدید قره قویونلو درآمدند. حضور این هنرمندان مکتب نقاشی جلایر، در تکامل نقاشی تیموری و ترکمن‌ها بسیار مؤثر و تعیین کننده بود.

### ● این نسخه خطی شکفت آور

تنها دیوانی است

که در برگرفته یکی از

قدیمی ترین طراحی های

حاشیه کتاب هست

که دارای تصاویر بسیار زیبایی

از طبیعت، اشکال انسانی و

حیوانی می باشد.

### ● با دیدن

دیوان مجموعه اشعار فارسی

سلطان احمد،

می توان به علاقه شدید او

به شعر و نقاشی

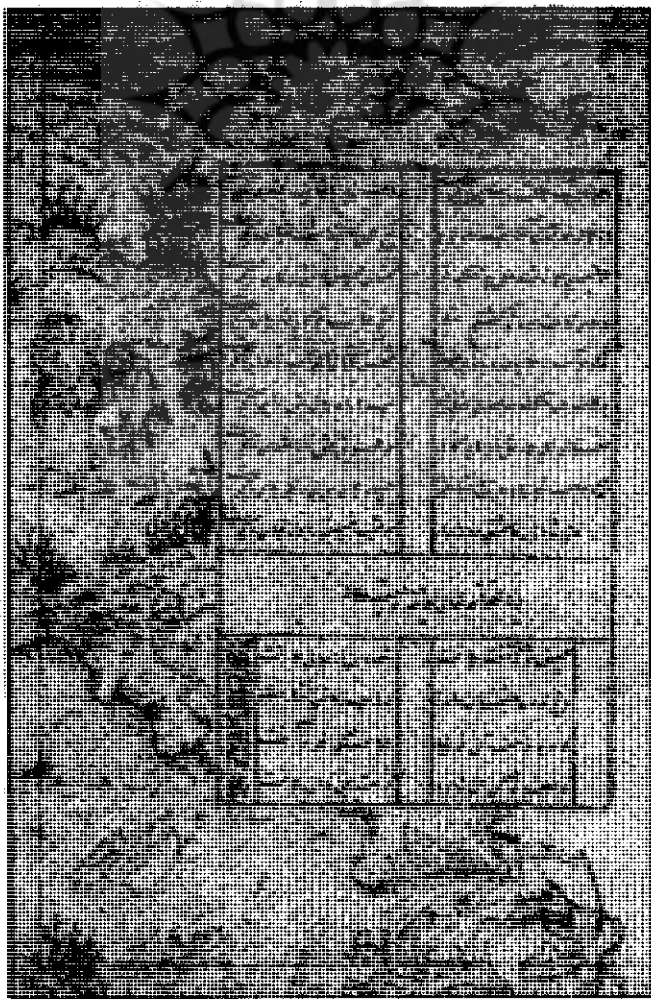
پی برد.



## دیوان سلطان احمد

با دیدن دیوان مجموعه اشعار فارسی سلطان احمد، می‌توان به علاقه شدید او به شعر و نقاشی پی برد. این نسخه خطی شگفت آور تنها دیوانی است که در برگزیده یکی از قدیمی‌ترین طراحی‌های حاشیه کتاب هست که دارای تصاویر بسیار زیبایی از طبیعت، اشکال انسانی و حیوانی می‌باشد. دیوان سلطان احمد شامل ۳۳۷ صفحه که با خط زیبای نستعلیق نوشته شده است، می‌باشد. حاشیه هشت صفحه این دیوان با مرکب مشکی و ته‌رنگهای طلائی، آبی و قرمز قلمگیری شده است. این صفحات شامل: ۱۷a، ۱۸a، ۱۹a، ۲۱b، ۲۲b، ۳۳a، ۳۴a و ۲۵b می‌باشند (۳). متن دیوان با یک سرلوح شروع می‌شود. کتابت دیوان با رنگهای آبی و طلا همراه و در اطراف متن اشعار، در هر صفحه، حاشیه پهنی قرار دارد. در سال ۱۰۵۴ هجری از فضای خالی حاشیه این دیوان را با کتابت اشعار سعدی پر کرده‌اند. این حاشیه

نویسی از صفحه ۲۱۸ تا صفحه ۲۱۵ دیوان را اظراف گرفته است. این حاشیه نویسی متأسفانه به آخرین تصویر دیوان (۲۴۸) لطمه وارد نموده، بگونه‌ای که تمام سطح زیبای طرح در زیر متن کتابت شده پنهان شده است. در آخرین صفحه این دیوان به تاریخ کتابت و کاتب آن، میرعلی تبریزی که در رمضان سال ۸۰۵ هجری کتابت شده اشاره دارد. در صفحات اول و آخر دیوان آثار چندین مهر بر جای مانده است که تنها یکی



تصویر نخستین

از آنها قابل تشخیص می‌باشد. این مهر طغری متعلق به سلطان عثمانی، با یزید دوم (۹۱۸ - ۸۸۶ ه. ق) می‌باشد و نشانگر آن است که این دیوان در آن زمان متعلق به مجموعه سلطنتی قصر توپقاپی استامبول بوده است.

از تاریخچه دیوان، اطلاعات بسیار کمی در دست می‌باشد. این دیوان در سال ۱۹۱۲ توسط اف - آر - مارتین در استامبول خریداری و در سال ۱۹۲۲ به گالری هنرفدی پرواشینگتون سپرده شد. وضعیت دیوان قبل از آن کاملاً مبهم است. ممکن است این دیوان پس از کشته شدن سلطان احمد توسط قره قویونلوها، بدست آنها رسیده باشد. باشکست قره قویونلوها توسط آق قویونلوها (۹۲۰ - ۸۷۲ ه. ق)، دیوان مذکور بدست آنها رسیده سپس توسط آخرین سلطان آق قویونلو، (الوندبیک ۷ - ۹۰۲ ه. ق)، که در شکست خود پادشاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ هجری به عثمانی‌ها پناهنده شد، دیوان مذکور را به پادشاه عثمانی هدیه داده

باشد. دیوان بعد از تلخیص فوق‌العاده در قصر عثمانی‌ها و یا حداقل در استامبول باقی ماند تا اینکه در سال ۱۹۱۲ میلادی توسط مارتین خریداری گردید.

هر کدام از هشت صفحه از دیوان که حاشیه آن توسط هنرمندان تزئین شده است دارای ترکیب‌بندی محکم و نقش‌ها با نوشته‌های متن صفحه کاملاً هماهنگ می‌باشند. همچون دیگر کتابهای مصور شده درباره سلطان احمد، طرح‌ها نشانگر پدیده‌ای نو در هنر نقاشی

هستند. در این آثار پیکره‌هایی نسبتاً کوچک در سطح یک چشم انداز جا داده شده‌اند. موضوع طراحی‌های دیوان به تصویرگری اشعار متن ارتباطی ندارد ولی به تظرمی‌رسد کیفیت تغزلی طراحی‌ها با موضوع عرفانی اشعار کاملاً همخوانی دارد و طراح متأثر از احساس و بیان مفاهیم درونی اشعار بوده است. اخیراً Deborah Kilmburg و Salter معتقد است که طرح‌های این دیوان به تجسم صحنه‌هایی از هفت وادی عشق عطار از

منطق الطیر اختصاص دارد (۴). هنرمند (احتمالاً عبدالحی) هر کدام از طراحی‌ها را به تصویر یکی از هفت وادی عشق (طلب، عشق، معرفت، استغناء، توحید، حیرت، فقر و فنا) رانصورت کرده است. اولین طراحی این دیوان به ترسیم یک صحنه روستائی اختصاص دارد. این تصویر در صفحه قسمت چپ کتاب و با رنگ مشکی قلمگیری شده است (شکل شماره ۱). این طراحی به ترسیم دورنمای خارج از روستا که بر فراز آن دسته‌ای

### ● عناصر تصویری زیادی

مثل مردان، زنان، کودکان، حیوانات، درختان و...

در این طراحی بکار گرفته شده است.

با این وجود هیچگونه شلوغی در آن حس نمی‌شود.



## ● تبدلات فرهنگی

ایران و چین

در طول حکومت

ایلخانان مغول

بسیار معمول گردید.

ما شاهد

حضور عناصر زیادی

از شیوه‌های نقاشی چینی

در آثار قرن

هشتم و نهم

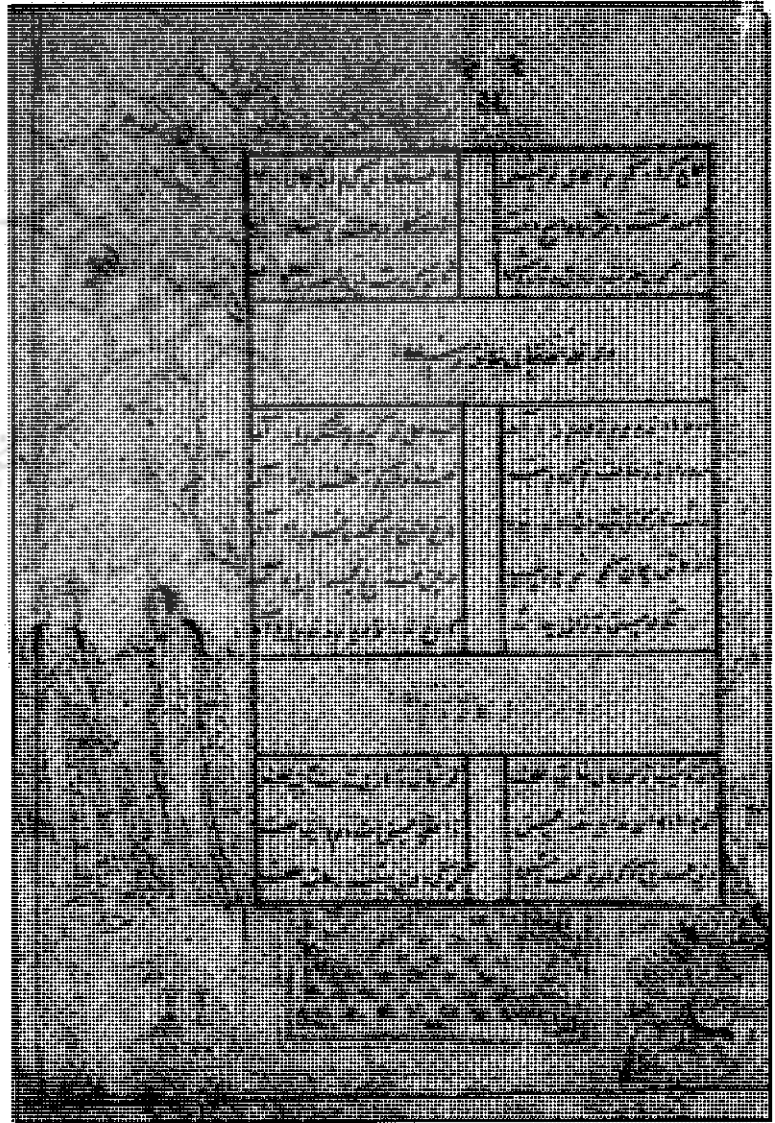
هستیم.

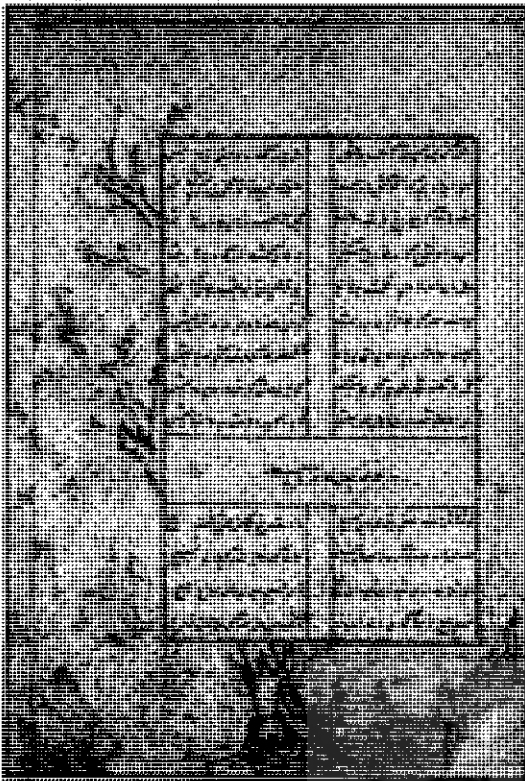
سرپر شماره ۲

از غازها در حال پرواز هستند برداشته شده است. در سمت چپ یک پیرمرد قدخمیده همراه با چوب دستی در کنار یک زن که بچهای در بغل دارد در حالت حرکت طرح شده است. در پائین آنها، دو گاودر کنار رودخانه همراه با دورنمایی در حال شنا دیده می‌شود. در قسمت پائین سمت راست صفحه، دو گاودیکر که جوانی بر پشت یکی از آنها سوار شده و در حال هدایت آنها می‌باشد، دیده می‌شوند. چشم انداز طبیعت بسیار ماهرانه طراحی شده است. سطوح صخره‌ها، بوته‌ها و غازهای در حال پرواز با ضربه قلمهای محکم و پررنگ کار شده است. اشکال انسانها، حیوانات، مرغابی‌ها و جریان آب رودخانه با لطافت خاصی طرح شده‌اند. مرد جوانی که سوار بر گاو شده است بیشتر به شیوه نقاشی خاور دور کار شده

است. تبدلات فرهنگی ایران و چین در طول حکومت ایلخانان مغول بسیار معمول گردید. ما شاهد حضور عناصر زیادی از شیوه‌های نقاشی چینی در آثار قرن هشتم و نهم هستیم. این صحنه از دیوان توسط Salter و Klimburg به عنوان اولین وادی عشق از منطق الطیر عطار «وادی طلب»، تعبیر شده است و آن اولین مرحله از سفر روحانی مرغان به سوی حق تعالی منظور شده است.

دومین طراحی این دیوان به نمایش چند دلداده در یک چشم انداز اختصاص دارد. طرح با رنگ مشکی قلمگیری شده است (شکل ۲). این طرح هم در قسمت صفحه سمت چپ کتاب و به ترسیم منظره‌ای از طبیعت اختصاص دارد. شاخ و برگ درختی همراه با پرندگان در پشت متن شعر هم با ظرافت کار شده است. در قسمت چپ صفحه یک مرد جوان که بازوی خود را روی تنه درخت قرار داده و در حال صحبت کردن با



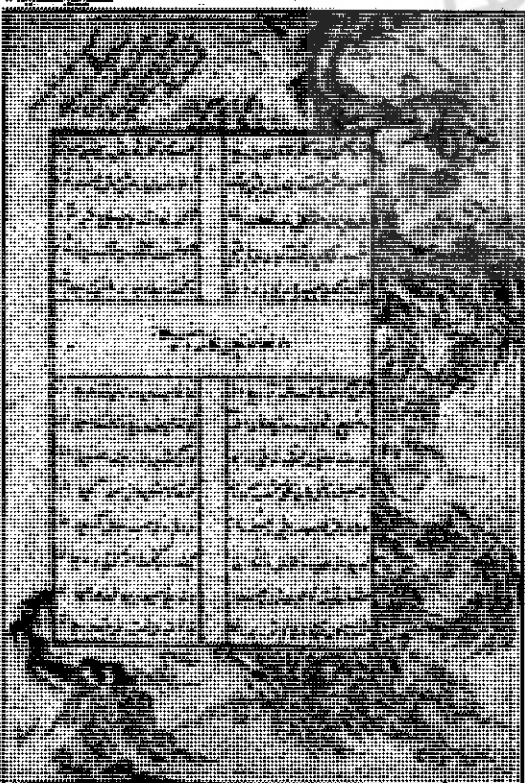


تصویر شماره ۲

یک زن جوان می باشد، وجود دارد. در پائین پای آنها، چند سینی بامحتوای دو جام نوشیدنی و میوه قرار دارد. در بخش مرکزی پائین حاشیه یک زیرانداز که بانقوش اردک تزئین شده همراه با دو بالش پهن شده است. در سمت راست حاشیه، زنی در حال استراحت و در قسمت بالاتر مرد جوانی در حال نشسته به تنه درختی تکیه داده است. در این طراحی هم مثل طراحی قبلی از رنگ استفاده نشده است. این صحنه می تواند نشانگر و معرف دومین وادی از هفت شهر عشق عطار، یعنی «وادی عشق» باشد.

سومین طراحی دیوان به ترسیم مباحثه حکیمان در فضای طبیعت اختصاص دارد (شکل ۳). مانند طراحی قبلی، در پشت متن شعر، یک درخت باشاخ و برگهای زیاد همراه با پرواز پرندگان قرار دارد. در سمت چپ حاشیه، گروهی از ادیبان طراحی شده اند که در قسمت بالا دوتن از آنها در حال مباحثه و در پائین سه نفر در حال گوش دادن به صحبت های دو نفر که کتاب در دست دارند می باشند. در سمت راست حاشیه هم تنه درخت و یک تخت ترسیم شده است. صحنه قبلی از مباحث حکیمان در زیر درخت، در تصویرگری کتابهای این دوره، بسیار معمول بوده است. به نظر می رسد طراح این صحنه را برای نمایش سومین وادی یعنی «وادی معرفت» ترسیم کرده است.

چهارمین تصویر به طراحی فرشتگان در میان ابرهای نورانی اختصاص دارد (شکل ۴). در اینجا طرح با استفاده از رنگ مشکی و طلایی و ته رنگهای قرمز و آبی اجراء شده است. ابرهای طلایی به صورت یک فرم سیال از آسمان به سمت راست حاشیه و از آنجا به سوی پائین جریان یافته است. دو فرشته در ابتدای ابرها در قسمت بالای حاشیه قرار گرفته اند. دوازده فرشته دیگر نیز سوار بر ابرها ترسیم شده اند. قسمتهایی از بال فرشته ها و جامه آنها به رنگ آبی رنگ آمیزی شده اند. در تزئین جامه چند فرشته، ته رنگ های قرمز هم مورد استفاده واقع شده است. از رنگ طلایی هم برای نمایش ابرهای نورانی که در سطح حاشیه انتشار پیدا کرده است بسیار استفاده شده و احتمالاً نمایانگر نور اولوهیت می باشد. موضوع این صحنه احتمالاً بیانگر «وادی حیرت»



تصویر شماره ۳

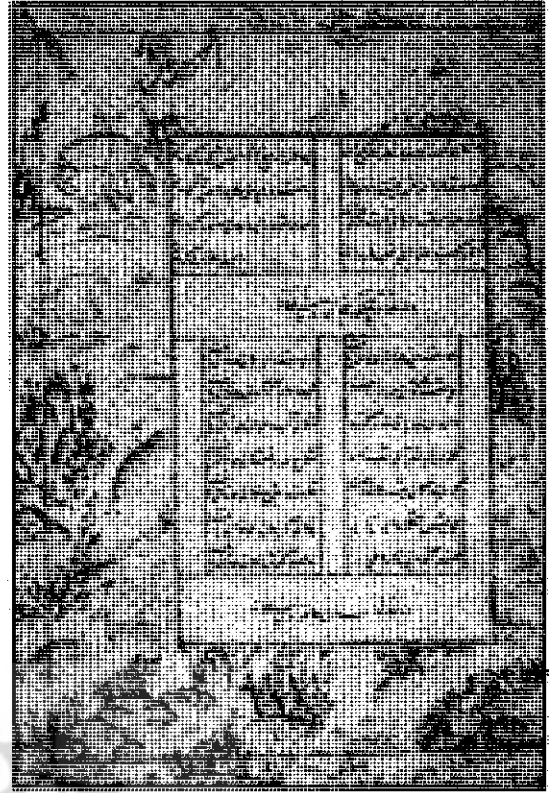


می شود. بر عهد فاضل بین چادرها، دو زن در حال گانگی هستند. در قسمت پائین چادرها، یک مرد در حال هدایت یک گاو می باشد. پائین تر از آن یک پیرزن در حال مراقبت از گله گاوها می باشد. در قسمت پائین حاشیه این صفحه، یک زوج در حال بستن بندهای چادر و همینطور مرتب کردن آن هستند. در جلو دو چادر پائین زن جوانی در حال شیردادن به کودک خود می باشد. دو کودک هم در پائین ترین سطح حاشیه در حال بازی هستند. در قسمت پائین در سمت چپ، دو زن، یکی در حال دمیدن در آتش زیر یک ظرف بزرگ و دیگر در حال شستن لباسها در کنار رودخانه، دیده می شود. در پشت سر آنها چند سگ که با طناب بسته شده اند طراحی شده اند. در بقیه صفحه که در صفحه مقابل در سمت چپ قرار گرفته، در قسمت پایین حاشیه سمت راست، دو نفر در حال حمل میز هستند. در قسمت چپ حاشیه همین صفحه، حیوانات اهلی مثل گوسفند و بزهای شاخ بلند و چند اسب در حالت استراحت و یا ایستاده دیده می شود. یک مرد سوار بر اسب که شلاق بلندی در دست دارد هم در قسمت فوقانی حاشیه آمده است. در سمت راست اسب سوار، یک زن در حال گفتگو با مردی که سوار بر گاو می باشد ترسیم شده است. در قسمت عطف دو صفحه در

● آخرین طراحی دیوان  
به نمایش صحنه ای از یک رودخانه  
همراه با چندین مرغابی  
که بر فراز آن ابرها قرار دارد  
اختصاص دارد.  
احتمالا این صحنه  
بیانگر هفتمین و آخرین مرحله  
در منطق الطیر «وادی فنا» می باشد.

ششمین وادی منطق الطیر می باشد (در اینجا این وادی خارج از ترتیب در دیوان در آمده است). در این صحنه انسانها و یا عناصر زمینی وجود ندارد. پنجمین و ششمین تصاویر با همدیگر به ترسیم صحنه اردوگاه و چادرزدن اختصاص دارد (شکلهای ۵ و ۶). طراحی با قلمگیری مشکی و ته رنگهای قرمز و آبی انجام شده است. قسمت راست این صحنه که در صفحه راست قرار گرفته به نقاشی یک مجموعه چادر سنتی اختصاص دارد. در قسمت فوقانی چادرها، دریاچه روزنه مقداری و یا گل آن باز است و از یکی از این روزنه ها دود خارج

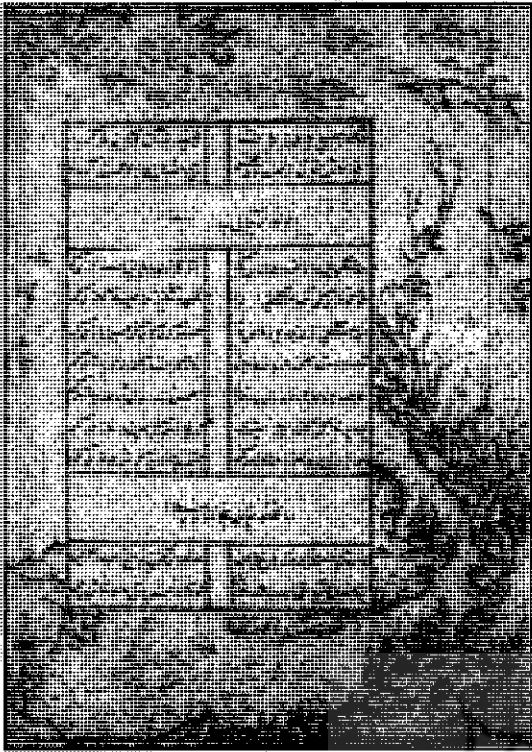




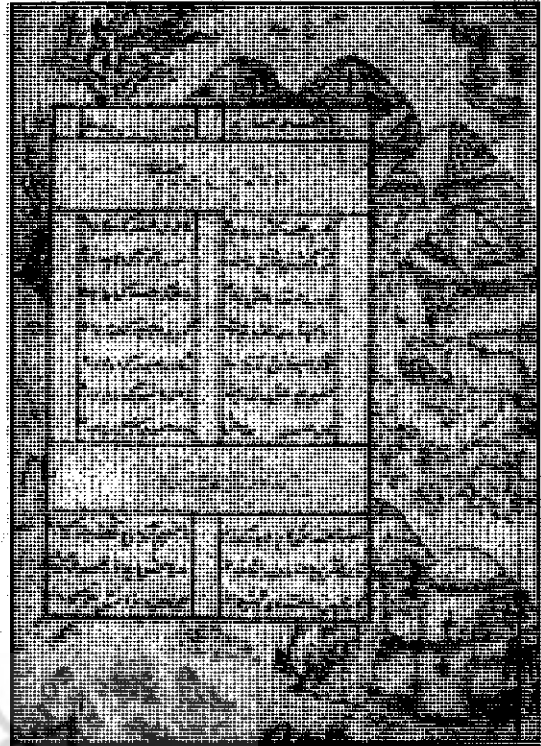
تصویر شماره ۵

سمت راست یک پیرمرد با چوب دستی همراه یک زن که ظرفی را حمل کند به طرف چوپانی همراه با گله اش، در صفحه مقابل، در حرکت هستند. هنرمند در این طراحی از ته رنگهای آبی برای تأکید سبزه ها و قسمت هایی از آب رودخانه، تنه درختان و همینطور در ابرها استفاده کرده است. خطوط قرمز رنگ هم در آرایش لباسها، کلاه و چادرها مورد استفاده واقع شده است. طراح این مجموعه با دقت فراوان سعی در نشان دادن جزئیات چادرها و همچنین تزئینات آنها نموده است. عناصر تصویری زیادی مثل مردان، زنان، کودکان، حیوانات، درختان و... در این طراحی بکار گرفته شده است. با این وجود هیچگونه شلوغی در آن حس نمی شود. این طرح نشانگر همگامی انسان و طبیعت به گونه ای که در منطق الطیر تحت عنوان «وادی استغناء»، چهارمین وادی سفر روحانی مرغان، بیان شده می باشد.

هفتمین طراحی دیوان سلطان احمد به چشم اندازی از یک رودخانه اختصاص دارد که با مرکب سیاه قلمگیری شده است (شکل ۷). در این طرح از آوردن انسان چشم پوشی شده و به



تصویر شماره ۷



تصویر شماره ۶

2- E.Atili "The Brush of the Masters: Drawings from Iran and India", Washington, D.C., The Freer Gallery of Art, 1978, pp. 11-14

۳- در تقسیم‌بندی صفحات نسخ خطی در اروپا مرسوم است که هر ورقه از کتاب را با یک شماره صفحه گذاری نموده بگونه‌ای که روی صفحه را با حرف (a) و پشت صفحه را با حرف (b) علامت‌گذاری می‌کنند. بطور مثال اگر کتابی را در حالت باز کردن داشته باشیم صفحه سمت راست با علامت (b) و صفحه سمت چپ با یک عدد بیشتر همراه با (a) علامت‌گذاری می‌شود.

۴- E.Atili "The Brush of the Masters", P.17

■ منابع و مآخذ:

- بیات، عزیزا...، تاریخ مختصر ایران، تهران، دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۷.
- خزاشی، محمد، کیمیای نقش، تهران، حوزه هنری، ۱۳۶۸.
- زکی، محمدحسین، تاریخ نقاشی در ایران، ترجمه ابوالقاسم سحاب، تهران.
- کری، بازل، نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه فیروز شیروانلو، تهران، انتشارات توس، چاپ دوم ۱۳۵۵.
- و E.Atili, "The Brush of the Master Washington, D.C. 1978
- و Etinghausen, R., Arab Painting, Geneva, 1962
- و The miniatour painters of persia, ..., London, 1912
- و Martin, F.R.,

ترسیم یک منظره که در قسمت فوقانی آن مرغان و غازها بر فراز رودخانه‌ای خروشان در حال پرواز هستند، پرداخته شده است. در این چشم‌انداز رودخانه به سمت پائین حاشیه جریان دارد. در سمت چپ و راست حاشیه بطور جداگانه یک درخت و دو پرندۀ طراحی شده است. هماهنگی و هم‌جواری عناصر موجود در طرح، پنجمین مرحله از سفر مرغان منطلق الطیر، «وادی وحدت (توحید)» را در ذهن زنده می‌کند. در این طرح همه عناصر دارای یک ارتباط و آهنگ واحد می‌باشند. آخرین طراحی دیوان (صفحه ۲۴۵) به نمایش صحنه‌ای از یک رودخانه همراه با چندین مرغابی که بر فراز آن ابرها قرار دارد اختصاص دارد. احتمالاً این صحنه بیانگر هفتمین و آخرین مرحله در منطلق الطیر «وادی فنا» می‌باشد. همانطوریکه قبلاً بیان شد متأسفانه این طرح زیبا کاملاً در زیر حواشی نوشته شده پنهان شده است.

■ پاورقی‌ها:

۱- این کتاب در شیراز در دوران حکومت شیعی آل‌بویه کتابت شده و هم‌اکنون در کتابخانه بودلیان آکسفورد نگهداری می‌شود.